



بسمه تعالی

امتحانات تجدیدی - مرداد ۱۳۸۸

مرکز مدیریت حوزه علمیه قم

معاونت آموزش

مدیریت امتحانات

پاسخنامه

پایه :	۸	موضوع :	اصول ۳
تاریخ :	۸۸/۵/۲۲	ساعت :	۱۰/۳۰

نام کتاب: فرائد الاصول، از اول «الأمر الثاني» تا پایان رسائل

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سؤال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه به سؤال آخر نمره داده نمی‌شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

تستی:

۱. قد خرج من الکلیّة المذكورة أفعال الطهارات الثلاث، فإنّهم أجمعوا على أنّ الشاک فی فعلٍ من أفعال الوضوء قبل اتمام الوضوء
(عبارت در مورد قاعده فراغ است) الف ۳۳۶

ب. لا یعتنی بشکّه ☐

أ. یأتی بذاک الفعل وإن دخل فی فعلٍ آخر ■

د. یُحکم ببطلان وضوئه من رأسه ☐ج. یتّم وضوئه ویستأنف احتیاطاً ☐

۲. (بقی الکلام فی أصالة الصّحة فی الأقوال)، فالصّحة فیها تكون من وجهین: الأوّل: من حیث کونه حركةً من حركات المکلف، فیکون الشک من حیث کونه مبأحاً أو محرماً ولا اشکال ب ۳۸۱ آسان

ب. فی الحمل على الصّحة من هذه الحیثیة ■

أ. فی عدم ثبوت الصّحة من هذه الحیثیة ☐د. فی صحّته لأدلة حجّیة خبر الثقة ☐ج. فی صحّته لکونه مجرّی لأصالة الصّحة فی فعل الغیر ☐

۳. الشیخ قائل بأنّ تقدیم النصّ على الظاهر د ۸۹ متوسط

أ. لأجل وجود المرجّح الداخلي ☐ب. لأجل وجود المرجّح الخارجي ☐ج. لأجل وجود کلا المرجّحین ☐

د. خارج عن مسألة الترجیح بحسب الدلالة إذ الظاهر لا یعارض النصّ ■

۴. إذا شک المأموم فی أنّ الامام المعتقد بعدم وجوب السورة، قرأها أم لا؟ ب ۳۵۴ سخت

ب. جاز له الائتمام مبنیاً على جریان أصالة الصّحة الواقعیة ■

أ. جاز له الائتمام مبنیاً على جریان أصالة الصّحة باعتقاد الفاعل ☐د. جاز له الائتمام مبنیاً على جریان قاعدة التجاوز فی فعل الامام ☐ج. لم یجز له الائتمام مبنیاً على جریان أصالة الصّحة الواقعیة ☐

تشریحی:

* «من شروط الاستصحاب: أن یکون کلّ من بقاء ما أحرز حدوثه سابقاً وارتفاعه غیر معلوم فلو علم احدهما فلا استصحاب، وهذا مع العلم بالبقاء أو الارتفاع واقعاً من دلیل قطعیّ واقعیّ، واضح، وإنّما الکلام فیما أقامه الشارع مقام العلم بالواقع، فإنّ الشک الواقعی فی البقاء والارتفاع لا یزول معه ولا ریب فی العمل به دون الحالة السابقة، لكنّ الشأن فی أنّ العمل به من باب تخصیص أدلة الاستصحاب أو من باب التخصّص؟ الظاهر أنّه من باب حکومت أدلة تلك الامور».

۱. مقصود شیخ از ذیل عبارت فوق - از «إنّما الکلام» به بعد - را بیان کنید. (ترجمه کافی نیست) ۳۱۳ متوسط

مقصود شیخ این است که در مورد شک در بقاء اگر اماره معتبره بر بقاء و یا ارتفاع متیقّن قائم شود، بدون اشکال ما طبق همان اماره عمل می‌کنیم و استصحاب جاری نمی‌شود، ولی آنچه که جای بحث دارد این است که این عمل ما بر طبق اماره، از چه جهت است؟ تخصّص یا تخصیص، یا حکومت؟ و خود شیخ (ره) می‌فرماید از باب حکومت ادله اعتبار امارات بر ادله استصحاب است.

۲. استدلال عقلی بر اصالة الصّحة در فعل غیر را تقریر کنید. ۳۵۰ متوسط

کیفیت استدلال این است که اگر ما در عمل غیر، اصل صحت جاری نکنیم اختلال نظام لازم می آید، بلکه اختلال نظامی که از ترک عمل به اصالة الصحة لازم می آید شدیدتر است از اختلالی که از ترک عمل به قاعده ید لازم می آید.

* «القسم الأول: إذا كان الشك في أحدهما مسبباً عن الشك في الآخر، ويلزم تقديم الشك السببي وإجراء الاستصحاب فيه ورفع اليد عن الحالة السابقة للمستصحب الآخر». ۳۹۴ متوسط

۳. در عبارت فوق یک مورد از تعارض دو استصحاب و تقدم یکی بر دیگری بیان شده برای این مورد مثال بزنید، و اصلی را که مقدم بر اصل دیگری می شود معین کنید.

مثال برای مورد مذکور این است، که آبی باشد مسبوق به طهارت، و فعلاً مشکوک الطهارة باشد اگر با این آب لباس نجس شسته شود، در ارتفاع نجاست لباس شک می شود، و اصل بقاء طهارت در آب، با اصل بقاء نجاست در لباس تعارض می کند ولی اصل بقاء طهارت مقدم می شود چون شک در طهارت لباس ناشی از شک در طهارت آب است و اصل سببی بر مسببی مقدم است.

۴. کسی که بعد از خواندن نماز ظهر، در طهارت در أثناء نماز شک می کند آیا جریان قاعده فراغ نسبت به نماز ظهر برای ورود در نماز عصر کافی است یا خیر؟ وجه آن را توضیح دهید. ۳۳۹-۳۴۰ متوسط

لا، لأن الشرط المذكور من حيث كونه شرطاً لهذا المشروط لم يتجاوز عنه بل محله باق، فالشك في تحقق شرط هذا المشروط شك في الشيء قبل تجاوزه محله.

* «قد يستدل على وجوب الترجيح بأنه لولا ذلك لاختل نظام الاجتهاد، بل نظام الفقه؛ من حيث لزوم التخيير بين الخاص والعام والمطلق والمقيّد وغيرهما من الظاهر والنص المتعارضين». ۵۳ متوسط

۵. استدلال ذکر شده در عبارت را تقریر کرده و جواب شیخ از این استدلال را بیان کنید.

اگر ترجیح لازم نباشد نظام اجتهاد بلکه فقه مختل می گردد زیرا از مسلمات فقه این است خاص بر عام و مقيّد بر مطلق و همچنین نص بر ظاهر مقدم است در صورتی که با عدم لزوم ترجیح، در اخذ به هر یک مخیریم. جواب شیخ: والظاهر خروج مثل هذه المعارضات عن محل النزاع.

۶. وجه تقديم عموم بر اطلاق را بنا بر این که تقييد موجب مجازيت نمی شود بیان کنید. ۹۷-۹۸ متوسط

لأن الحكم بالاطلاق من حيث عدم البيان، والعام بيان فعدم البيان للتقييد جزء من مقتضى الاطلاق والبيان للتخصيص مانع عن اقتضاء العام للعموم فإذا دفعنا المانع عن العموم بالأصل والمفروض وجود المقتضى له ثبت بيان التقييد وارتفع المقتضى للإطلاق.

* «استدل على قاعدة «الجمع مهما أمكن أولى من الطرح» تارة: بأن الأصل في الدليلين الاعمال، فيجب الجمع بينهما بما أمكن، لاستحالة الترجيح من غير مرجح وأخرى بأن دلالة اللفظ على تمام معناه أصليّة وعلى جزئه تبعيّة، وعلى تقدير الجمع يلزم إهمال دلالة تبعيّة، وهو أولى ممّا يلزم على تقدير عدمه وهو إهمال دلالة أصليّة».

۷. استدلال بر قاعده «الجمع مهما أمكن ...» را تقریر نمایید. (ترجمه کافی نیست)

دلیل اول: چون ترجیح بلا مرجح محال است و همچنین اصل اولی در هر دلیل اخذ به مفاد آن است پس باید به مفاد هر دو اخذ کرد.

دلیل دوم: هر لفظی بالاصالة بر اصل معنا و به تبع بر جزء معنای خود دلالت می کند. در صورت جمع بر دو معنای اصلی تحفظ می شود و تنها از معنای تبعی رفع ید می گردد حال آن که در طرح، معنای اصلی ساقط شده است.

* «أما أصالة البرائة، فلا تعارض الاستصحاب ولا غيره من الاصول والأدلة، سواء كان مدرکها العقل أو النقل، أمّ العقل فواضح، لأنّ العقل لا يحکم بقیح العقاب الاّ مع عدم الدلیل علی التکلیف واقعاً أو ظاهراً». ۳۸۷ آسان

۸. با توجه به عبارت فوق توضیح دهید که اگر مدرک اصالة البرائة حکم عقل باشد، چرا برائت با هیچ یک از ادله و اصول نمی تواند معارضه کند؟

اگر مدرک اصل برائت حکم عقل باشد، برائت فقط در مواردی جاری می شود که هیچ گونه بیانی در آن مورد، از طرف شارع نرسیده باشد اما اگر بیانی از طرف شارع آمده باشد و وظیفه واقعی و یا ظاهری مکلف را در یک مورد مشخص کرده باشد، دیگر حکم عقل که قبح عقاب بلا بیان بود و مدرک جریان برائت بود اصلاً وجود ندارد و منتفی می شود و در نتیجه برائت هم جاری نمی شود.

* «ومنها - المرجحات السندیة - كون أحد الروایتین اصدق، مع عدالة كليهما ... وفي حكم الترجيح بهذه الامور أن يكون طريق ثبوت مناط القبول في أحدهما أوضح من الآخر وأقرب الى الواقع من جهة تعدد المزكى أو رجحان أحد المزكّين على الآخر». ۱۱۴ متوسط

۹. در عبارت فوق، مرحوم شیخ غیر از اصدق بودن راوی، مرجح دیگری را نیز بیان کرده است، آن مرجح را توضیح دهید.
آن مرجح دیگر این است که راه ثابت شدن عدالت و وثاقت راوی در یکی از دو روایت، از راه ثابت شدن عدالت و وثاقت در راوی روایت دیگر أوضح باشد مثل این که راوی یکی از دو روایت را چند نفر توثیق و یا تعدیل کرده باشد، و راوی دیگر را یک نفر، و یا این که مؤثق در هر دو طرف از یک نفر بیشتر نباشد ولی یکی از آن دو نفر در توثیقات خود معتبرتر باشد.